



امام(ره) انقلاب اسلامی را یک تصرف ربوبی می دانست

پیروزی انقلاب اسلامی در یک تحلیل همه جانبه کار بسیار دشوار و سختی است، مگر اینکه از واژه ای به نام غیب مدد بگیریم. از منظر امام، انقلاب اسلامی یک معما، بارقه الهی و یک تصرف ربوبی است.

پیروزی انقلاب اسلامی در یک تحلیل همه جانبه کار بسیار دشوار و سختی است، مگر اینکه از واژه ای به نام غیب مدد بگیریم. از منظر امام، انقلاب اسلامی یک معما، بارقه الهی و یک تصرف ربوبی است.

ایام رحلت بنیان گذار انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی(ره) فرصتی تا هر چند اجمالی به بررسی ویژگی های شخصیتی این مرد بزرگ نگاه دوباره ای داشته باشیم. امام(ره) در فلسفه، کلام، عرفان، تفسیر، اصول و... از سرآمدان دوران خود بوده است و چه بسا بتوان وی را از منظر علمی با بسیاری از بزرگان علوم مختلف هم تراز دانست. برای بررسی بیشتر اندیشه های امام خمینی(ره) و ویژگی های شخصیتی ایشان با حجت الاسلام احمد عابدی از اساتید حوزه علمیه، حجت الاسلام حاجتی امام جمعه اهواز و علیرضا صدرا عضو هیئت علمی دانشگاه تهران به گفتگو نشستیم که در ادامه می خوانید؛

حجت الاسلام احمد عابدی در مورد ویژگی های امام خمینی گفت: امام خمینی ویژگی های بسیار زیادی دارد. امام یک مجتهد بزرگ بود و یک جامعیتی در علوم مختلف داشت. امام یک فقیه به تمام معناست.

وی ادامه داد: زمانی امام خدمت آقای بروجردی بوده و به ایشان می گوید به دولت بگوئید یک رادیو در اختیار ما قرار دهد که از طریق این رادیو احکام را به گوش مردم برسانیم. آقای بروجردی می گوید من احساس کردم الان ضرورت است که مسجد اعظم را بازسازی کنیم و مسئله رادیو ضرورتی ندارد. امام وقتی می بیند که مردم حرف او را گوش نمی دهند و حرف آقای بروجردی را گوش می دهند که الان او مرجع تقلید است و وقتی احساس می کند که مردم به دنبال حرف مرجع تقلید اند یک مرتبه فلسفه و کلام و عرفان و... کنار می گذارد و به فقه و اصول می پردازد که مرجع تقلید شود و مردم حرف او را گوش دهند و کاری که می خواهد انجام دهد.

امام هنوز ازدواج نکرده بود که کتاب شرح دعای سحر را در ۲۷ سالگی نوشته است. این کتاب در دانشگاه ها در مقطع دکتری عرفان تدریس می شود و کمتر کسی است که ادعا کند این کتاب را می فهمد. این قدرت امام در عرفان نظری است.

وی افزود: در اوایل عمر امام، ایشان یک متکلم و فیلسوف و عارف است. امام هنوز ازدواج نکرده بود که کتاب شرح دعای سحر را در ۲۷ سالگی نوشته است. این کتاب در دانشگاه ها در مقطع دکتری عرفان تدریس می شود و کمتر کسی است که ادعا کند این کتاب را می فهمد. این قدرت امام در عرفان نظری است.

احمد عابدی گفت: امام در فلسفه بی نظیر بوده است. اگر کسی بخواهد اندیشه های فلسفی امام را با علامه طباطبایی قیاس کند با آن برابری می کند و بلکه بر آن ترجیح دارد. یعنی اندیشه های فلسفی امام با بزرگترین فیلسوف زمان خود برابری بلکه ترجیح دارد.

وی افزود: امام ۸۶ کتاب به قلم خود تالیف کرده است و این در حالی است که ما بزرگانی مثل آیت الله خویی داریم که عمرشان در علم و کتاب و تالیف بوده است اما یک یا دو کتاب به قلم خود ایشان وجود دارد و آنچه از آیت الله خویی باقی مانده تقریرات درس های ایشان است.

وی ادامه داد: کتابی که امام درباره سلفیت و وهابیت نوشته در ۲۸ سالگی بوده و اگر الان این کتاب را نگاه کنید با آنکه صد سال پیش نوشته شده است به شدت مورد نیاز و به روز است.

این کارشناس دینی در مورد ویژگی های تفسیر قرآن امام گفت: الان تفسیری از امام چاپ شده که ۵ جلد است. این ۵ جلد با بسیاری از تفاسیری که ده ها جلد اند برابری می کند و بلکه ترجیح دارد. آن موقع که امام درس تفسیر می فرمود جنبه های عرفانی و بحث های فلسفی ذیل آیات قرآن را مطرح می کرد. امام بیش از ده جلسه در مورد تفسیر «بسم الله الرحمن الرحيم» صحبت کردند.

وی افزود: امام در علوم مختلف صاحب نظر بود و وقتی می خواهید امام را در علوم مختلف با دیگر افراد مقایسه کنید باید ایشان با بالاترین اساتید آن علم مقایسه کنید.

امام همواره می خواست بگوید که یک سیاست شیطانی داریم و یک سیاست الهی. عبارت «و ساسه العباد»؛ در زیارت جامعه کبیره به این معنی است که سیاستمداران واقعی اهل بیت بودند ولی آنها سیاست الهی داشتند

وی در پاسخ به این سوال که جنبه های اخلاقی و فلسفی و عرفانی و... امام با سیاست چگونه قابل جمع است گفت: ماکیاولی یکی از متفکرین غرب کتابی به نام شهریار نوشته است. اندیشه های ماکیاولی سمبل سیاست شیطانی است. کسی بخواهد بداند که در اندیشه سیاسی غرب چه می گویند این کتاب را بخواند. دغل و شیطننت در این کتاب موج می زند. او در این کتاب می گوید با هر گناهی که می توانید، هدف خود را پیش ببرید. این کتاب الان تعیین کننده سیاست غرب است. امام همواره می خواست بگوید که یک سیاست شیطانی داریم و یک سیاست الهی. عبارت «و ساسه العباد»؛ در زیارت جامعه کبیره به این معنی است که سیاستمداران واقعی اهل بیت بودند ولی آنها سیاست الهی داشتند. امیرالمومنین اینطور سیاستی داشت و امام خمینی نیز در این مسیر قدم گذاشته بود. یکی از مهمترین کارهای امام این بود که می خواست بگوید دین ما از سیاست ما جدا نیست.

وی در پایان اظهار داشت: بحث های سیاسی خیلی جای لغزش است. یکی از سیره های امام خمینی این بود که قبل از هر انتخاباتی به مردم سفارش می کرد مواظب باشید غیبت، تهمت زنید و شایعه پراکنی نکنید. ما باید مواظب باشیم به نفع کسی، خود را جهنمی نکنیم. ما باید این را از امام یاد بگیریم که انسان باید خود را واکسینه کند و بعد وارد کار شود. امام اول خوب خود را ساخت و پس از اینکه یک مرد الهی شد وارد سیاست شد.

علیرضا صدرا در مورد نسبت امام و انقلاب اسلامی با حکمت متعالیه گفت: امام(ره)، نظامی اسلامی را بنیان نهاد که آرزوی دیرین حکما و فلاسفه اسلامی بوده است.

وی با بیان اینکه انقلاب اسلامی بر بنیاد حکمت متعالیه استوار است، اظهار کرد: به عبارت دیگر می توان گفت علت موجبه انقلاب، حکمت متعالیه و امام و مردمی است که پیرو او بوده اند.

حکمت صدرایی در دوره کنونی متکامل ترین وجه حکمت است که وارد اندیشه امام خمینی(ره) شده و در پیدایش انقلاب اسلامی نقش بنیادی داشته است

صدرا با بیان این که رهبری امام از راهبردی منشأ می گیرد که هم حکمی و هم متعالی است، تصریح کرد: انقلاب اسلامی حکمت حکومت را به حاکمیت حکمت تبدیل کرده؛ کما اینکه در ظاهر آن شاخصه های آزادی، استقلال و... را دارد؛ ولی امام، حکومتی بر اساس حکمت بنیان نهاده است. حکمت صدرایی در دوره کنونی متکامل ترین وجه حکمت است که وارد اندیشه امام خمینی(ره) شده و در پیدایش انقلاب اسلامی نقش بنیادی داشته است.

صدرا تصریح کرد: ممکن است بگوییم امام اسلام را آورده، ولی باید ببینیم کدام قرائت از اسلام مراد ما هست؟ زیرا الان وهابیت بیشتر از ما مدعی اسلام است و ما را تکفیر می کنند؛ اما توحیدی که تعقل و حکمت در بنیاد خود ندارد و در کنار آن حکمت و امام نباشد قرآن بر سر نیزه خواهد رفت؛ بنابراین قرائتی از اسلام معتبر است که امام خمینی نماد آن است و در نظام اسلامی ایران شکل گرفته است.

او افزود: ایزوتسو از اندیشمندان ژاپنی و قرآن پژوه، حرف جالبی زده و می گوید که امام به عنوان نماینده شیعه، شأن اولش، عرفانی است؛ شأن دوم ایشان، علمی و شأن سومش مدیر اجرایی و خلیفه است؛ یعنی قرائت عرفانی صرف از امامت شیعه تمام شده و قرائت اجرایی در حال حاکمیت است پس بحث ما از اسلام، قرائتی است که نواندیشان شیعه در برابر اخباری و گری بیان کرده و امام با این قرائت، توانسته انقلاب را ایجاد کند.

این استاد دانشگاه تهران بیان کرد: خواجه نصیرالدین طوسی نه تنها کلام را با فلسفه تقریب کرد(برهانی کرد) مشا را نیز به اشراق تقریب نموده و عقل را به دل تقریب کرد؛ وی حکمت نظری را به عملی نزدیک و حکمت را به حکومت تقریب نمود؛ ولی توانست با همین مدل توحش مغولی را به تمدن مغولی مبدل نماید؛ خواجه نصیر و امام راحل چنین

بنایی داشتند؛ اما تفاوت امام این است که ایشان موسس نظام بودند.

او گفت: جز امام و خواجه نصیر طوسی در طول تاریخ نداریم که هم حکیم و هم حاکم باشند، البته امام(ره)، موسس بوده، ولی خواجه نصیر موسس نبوده؛ امام می‌فرماید آنچه خواجه را خواجه کرد، سیاست او بود که مبنای آن همان حکمت اسلامی است و توانست توحش مغول را به تمدن مغول تبدیل کند و امام(ره) نیز توحش غربی را به جریان فکری تمدن ایرانی اسلامی تبدیل کرد که البته در بُعد عملی نیازمند تلاش و تداوم این راه است.

اصلی‌ترین ویژگی حضرت امام و اصلی‌ترین ویژگی گفتمان حضرت امام خمینی(ره) که امروز گفتمان غالب در جهان بین الملل اسلامی است، خداباوری و دین باوری است. در واقع باید بر همین اساس گفت که گفتمان امام(ره) یک گفتمان قرآن محور و فقه محور و اخلاق محور است

حجت الاسلام حاجتی امام جمعه اهواز در مورد ویژگی‌های امام خمینی گفت: اصلی‌ترین ویژگی حضرت امام و اصلی‌ترین ویژگی گفتمان حضرت امام خمینی(ره) که امروز گفتمان غالب در جهان بین الملل اسلامی است، خداباوری و دین باوری است. اعتقاد عمیق و آگاهانه امام به آموزه‌های فقهی، سیاسی و اخلاقی شریعت اسلام. باور عمیق به آموزه‌های اهل بیت عصمت و طهارت(ع). در واقع باید بر همین اساس گفت که گفتمان امام(ره) یک گفتمان قرآن محور و فقه محور و اخلاق محور است.

وی ادامه داد: به تعبیری دیگر، گفتمان امام خمینی(ره) تلاقی قرآن و عترت است. مهمترین سفارش پیامبر اکرم(ص) قبل از رحلتشان این بود: کتاب الله و عترتی. پیامبر به دو چیز مهم امتش را سفارش کرد. قرآن و عترت. امام و افکار امام، امام و شخصیت امام، امام و اندیشه‌های امام و لذا امام و انقلابش و گفتمانش تلاقی قرآن عترت بوده است. امام تجلی باورهای قرآنی است. امام تجلی آموزه‌های عترت(ع) است. در واقع در اندیشه امام(ره) خصلت‌هایی را می‌بینیم که این خصلت‌ها و این صفات همه در واقع تجلی صفات قرآنی و صفات اهل بیت عصمت و طهارت هستند.

وی افزود: ما امروز به تفسیر و تالیف و پژوهش پیرامون امام نیازمندیم ولو نیم قرن بعد از آغاز قیام امام. به جهت اینکه ما برای ادامه این مسیر نورانی و راه امام در شکوفایی انقلاب اسلامی، به یک نقشه راه نیاز داریم. نقشه را از کجا باید تهیه کنیم؟ داشتن نقشه راه برای ادامه مسیر نورانی امام در گرو درک ماهیت انقلاب اسلامی و همان سیرت انقلاب اسلامی است.

حجت الاسلام حاجتی گفت: نقشه راهی که ما باید داشته باشیم در گرو اطلاع از اهداف بزرگ انقلاب اسلامی است. یعنی چیستی و چرایی انقلاب اسلامی را باید درک کنیم. درک چیستی و چرایی انقلاب اسلامی بی شک بدون معرفت همه جانبه معمار بزرگش، امام خمینی(ره) ممکن نیست و حاصل نمی‌شود. لذا امام خامنه‌ای، امام حاضرمان به صراحت فرمودند: از بزرگترین وظایف نسل جوان ما و محققان ما این است که اصل شخصیت امام را بازشناسی کنند و آثار عظیم امام را شناسایی و تالیف کنند.

درک چیستی و چرایی انقلاب اسلامی بی شک بدون معرفت همه جانبه معمار بزرگش، امام خمینی(ره) ممکن نیست و حاصل نمی‌شود. لذا امام خامنه‌ای، امام حاضرمان به صراحت فرمودند: از بزرگترین وظایف نسل جوان ما و محققان ما این است که اصل شخصیت امام را بازشناسی کنند و آثار عظیم امام را شناسایی و تالیف کنند

وی ادامه داد: ما اگر بتوانیم به خوبی شخصیت معمار بزرگ انقلاب را تحلیل کنیم، توانا می‌شویم تا انقلاب اسلامی را به خوبی بشناسیم. اگر ما خوب امام را شناختیم و به جامعه معرفی کردیم اگر خوب امام را توانستیم تحلیل کنیم و به نسل جوانمان ارائه کنیم، آنگاه دیگر امام برای نسل جوان ما و نسل‌های آینده هم مرجعیت پیدا می‌کند. منظورم از مرجعیت یعنی مرجعیت فکری و مرجعیت عملی.

وی افزود: امام مرجعیتشان در تقلید برای کسانی که مقلدشان نبودند با رحلتشان به اتمام رسید. این حکم مشروع فقهای شیعه است. اما مرجعیت شان به عنوان یک اسلام شناس بصیر با ۵۰ عنوان کتاب تألیفی ادامه دارد. این مرجعیت به این معنا هیچگاه تمام نشده و نخواهد شد. ما اگر امام را درست تحلیل کنیم و به جامعه معرفی کنیم، در این زمینه خدمت بزرگی هم نسبت به نسل فعلی هم نسبت به نسل آینده انجام داده ایم.

وی تصریح کرد: وقتی تحیل می‌می‌کنیم می‌بینیم پیروزی انقلاب اسلامی در یک تحلیل همه جانبه کار بسیار دشوار و سختی است، مگر اینکه از واژه‌ای به نام غیب مدد بگیریم. کار ساده‌ای نیست لذا حضرت امام(ره) می‌فرمایند انقلاب

اسلامی یک معما است. من خلاصه تعبیر ایشان را عرض می کنم؛ فرمودند انقلاب اسلامی یک معما است، دست غیب است، بارقه الهی است، تصرف ربوبی است(۱). حضرت امام(ره) در یک بیان بلندی فرمودند همچون نهضتی فقط یک بار در طول تاریخ اتفاق می افتد.

حجت الاسلام حاجتی ادامه داد: تقریباً دو مرتبه در صحیفه امام آمده است که ما در حساس ترین نقطه تاریخ به سر می بریم. در حساس ترین نقطه تاریخ! امام(ره) هیچ گاه اهل مبالغه نبوده و قطعاً هم در این زمینه مبالغه نکرده اند. این مرد اندیشمند، فکور، تحلیلگر و اهل اشراف به خوبی اوضاع را می دید و فراتر از زمان می اندیشید. فلذا باید ببینیم که چرا این جمله را به زبان جاری کردند.

وی افزود: تحلیل همه جانبه انقلاب اسلامی نشان از آن دارد که انقلاب از سایر انقلاب های جهانی به شدت متمایز بوده و مدیریت امام هم در این انقلاب یک مدیریت متمایز بوده است و اساساً گفتمان انقلاب اسلامی یک گفتمان متمایز با تمام گفتمان هایی است که در دنیای مادی امروز رایج هستند. بی دلیل نیست که خانم اسکاچیل به عنوان یک پژوهشگر انقلاب های معاصر جهان بودند می گفت که انقلاب اسلامی تحلیل هایی رایج ما را در تحلیل انقلاب های اجتماعی مخدوش کرد. با معیارهای رایج نمی شود انقلاب اسلامی را تحلیل کرد.

وی در پایان گفت: امام خمینی(رض) گفتمان نوینی را در رهبری بزرگترین انقلاب اجتماعی جهان به جهانیان ارائه دادند که در این گفتمان عناصری مثل عدالت خواهی و استقلال طلبی در کنار عناصری مثل انتظار فعال کنار هم گذاشته شده بود. عناصری مثل مردمی بودن، توجه به محرومان، در کنار ساده زیستی بسیار عجیب رهبر بزرگ ترین رهبر سیاسی جهان قرار گرفته و رهبری سیاسی جامعه در کنار مفهوم بسیار بلندی که از آن به عنوان «ولایت فقیه» یاد می شود قرار گرفت و امام در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی بیش از پیش ما را با این مفهوم نورانی آشنا کردند.

۱- امام خمینی(ره): چگونه در ظرف سالهای معدود از بطن این جامعه و انقلاب یک همچو جوانان سرشار از معرفت الله و سراپا عاشق لقاء الله و با تمام وجود داوطلب برای شهادت جان نثار برای اسلام که پیران هشتاد ساله و سالکان کهنسال به جلوه ای از آن نرسیده اند، بسازد؟ جز دست غیبی و دستگیری الهی و تصرف ربوبی، با چه میزان و معیار می توان تحلیل این معما کرد؟